

## باورهاي ارمنيان پيش از گرايش به مسيحيت

(بخش سوم)

دکتر ادیک باغداساریان

باورهاي ديني ارمنيان در اواسط هزاره اول پ.م. تا عصر

### تسلط فرهنگ يونان

پس از انقراض اورارتو، ارمنستان در سده هاي ششم تا چهارم پ.م. تحت سيطره شاهان هخامنشي قرار داشت.

در باورهاي دوران باستاني هنگامي که اقوام و طوايف ارکان اجتماع را تشکيل مي دادند اعتقاد به ارواح، طبيعت و پيشينيان نقش مهمي داشت. در پي تحولات اجتماعي بعدي و ايجاد اقشار و طبقات مختلف پانتئون قديمي تشکيل گرديد.

براي بررسي پانتئون باستاني ارمني، افسانه هاي قديمي که حاوي مطالب اساطيري هستند از منابع بسيار مهم بشمار مي روند. هايک hayk از خدايان باستاني ارمني است. بر اساس منابعي چون تاريخ سبئوس و حجاري هاي صخره اي آرامگاه آغتش aghts، هايک بعنوان شکارچي عظيم الجثه (تيتان) ظاهر شده است که همراه دو سگ خود جانوران وحشي را از بين مي برد.

هايک بعنوان نيروي پیکارگر ارمنيان در برابر استبداد شکل گیرنده ظاهر مي گردد. او و حريف و دشمنش بعل (در ارمني پل) خدايان دو کشور جداگانه بودند. بعل خدای اقوام سامي جنوب ارمنستان محسوب مي شد و هايک را آزار مي داد و در پي قتل او بود و هايک بعنوان خدای منور و درخشان در برابر او قيام کرده بود. در عين حال هايک بعنوان پدر ملت ارمني پرستش مي شد زيرا براي آزادي آنان فداکارانه نبرد و مبارزه مي کرد.<sup>۱</sup>

بدین سان، در اساطير قديمي ارمن يك قشر کامل به مبارزه عليه آشور پرداخته است. برخوردهاي شديد ميان اورارتو و آشور نقش تعيين کننده اي براي آسياي مقدم داشته است و در واقع جنگ افسانه اي ميان هايک و بعل منعکس کننده همان برخوردهاست. پر واضح است که داستان حماسي که در مورد جنگ بعل و خدای خالدي (اورارتو) بين اورارتوئي ها رواج داشت در عصر هاي بعد با انتقال به ارمنيان، بصورت حماسه ارمني هايک- بعل تبديل شده است. افسانه آرا و شاميرام نیز به همین دسته مربوط مي شود.

هايک در رأس پانتئون ارمني قرار دارد و از نام او کلمه “هاي” براي ارمنيان پديد آمده است (ارمنيان خود را “هاي” مي نامند).

<sup>۱</sup> - همانجا ص 483.

**تورک (tork)** و **آنگغ (angegh)** از دیگر خدایان ارمنیان بودند. تورک خدای اقوام و ملل آسیای مقدم محسوب می‌شد و در نزد هیتی‌ها (بصوت تارکو) احتمالاً "بعنوان خدای میوه دهی و گیاهان پرستیده می‌شد. زمانی نظر بر این بود که تورک آنگغ یک خدا بوده است (آنگغ به معنی زشت) لیکن نتیجه بررسی‌های بعدی نشان داد که تورک از نسل آنگغ و آنگغ خود یکی از خدایان باستانی ارمنی بود که نام او منشاء توتمی (پرنده) دارد. خدای سامی **نرگال** که در کتاب مقدس یاد شده در ارمنی "آنگغ" ترجمه شده است. سبئوس مورخ سده هفتم نیز در باره خدایی آنگغ اشاره دارد.

زوج خدایی آرا و شامیرام در پانتئون ارمنی نقش مهمی دارد. آرا از خدایان قدیمی و محلی بود. آنگونه که پژوهشگران نشان داده‌اند، آرا سمبل گیاهان، کشاورزی، کشت و آب بود. از ویژگی‌های او میرائی و حیات دوباره یافتن بود که در سرزمینهای شرقی باستان گسترش فراوانی داشت. در شرق باستان یک الهه بسیار محبوب مطرح بود که در حیات مذهبی نقش مهمی بازی کرده است. او با نامهای مختلف در میان مردمان و سرزمینهای گوناگون مورد عبادت و پرستش قرار داشت. در آشور و بابل نامش ایشتار بود و در فینیقیه آستاروت در سوریه و شام بنام **درکدو**، **آتارگادیس** مشهور بود. شامیرام دختر **درکدو** بود. او نیز الهه میوه دهی و عشق بود و باز پیایی، جنگ طلبی و احساسات شهوانی خود شهرت داشت. پرستش شامیرام وارد ارمنستان شده با نام آرا (آرای زیبارو) پیوند یافت. وجود نام اماکن مختلف در مورد پرستش آرا و شامیرام در ارمنستان دلالت می‌کند.

در کنار آرا و شامیرام ارواحی بنام **آرالز aralez** مورد پرستش قرار داشتند. به اعتقاد ارمنیان قدیم آرالزها قهرمانان شهید در راه آزادی میهن را در پیکارگاه می‌لیسیدند و به آنان حیات نو می‌بخشیدند به عقیده تاریخنگاران ارمنی آرالزها از نژاد سگان بودند.<sup>۲</sup>

### فرهنگ معنوی ارمنی در عصر فرهنگ یونانی

#### (دوران هلنیستی، سده سوم پ.م. تا سده سوم میلادی)

فرهنگ ارمنستان کهن (سده ۳ پ.م. تا سده ۳ م.) با خطوط کلی خود بعنوان فرهنگ هلنیستی تلقی می‌گردد و به مرحله هلنیسم اصلی (سده ۳ پ.م. تا سده اول میلادی) و دوران مابعد هلنیسم (سده های 1-3 م.) تقسیم می‌شود. اکثر یادگارهای شناخته شده این دوره در ارمنستان و نیز در کشورهای آسیای مقدم با حفظ خطوط خاص محلی به نحوی از انحاء تحت تأثیر فرهنگ هلنی یا یونانی قرار داشتند لذا بدین علت نیز این دوره را هلنیستی می‌نامیم. با این حال اینان بیشتر نمونه‌های فرهنگ طبقه حاکم می‌باشند و فرهنگ مردمی از این توصیف مبرا بوده است.

<sup>۲</sup> - همانجا ص 485-484.

متأسفانه آگاهی ما در زمینه فرهنگ ارمنستان کهن کم است. زیرا در اوایل سده چهارم مسیحیت بر ارمنستان حاکم و ارزشهای بسیاری از فرهنگ پیشین نابود گردید. همین آگاهی ها که در کتابهای نویسندگان مسیحی ارمنی در اوایل سده های میانی حفظ شده است پدیده هایی را که سده ها قبل وجود داشته اند و ماهیتاً با خود نامأنوس می باشند به خوبی بیان نمی کنند. با این حال بر اساس همین اطلاعات می توانیم در مورد مذهب قدیمی ارمنیان، فولکلور مردمی و زمینه های دیگر نتیجه گیری نمائیم.

پانتئون خدایان ارمنی به علت تماس نزدیک با عناصر ایرانی تغییرات و تحولاتی متحمل گردید. در رأس این پانتئون آرامازد قرار دارد.

### آرامازد:

آرامازد بعنوان خدای خدایان، خالق زمین و آسمان، نعمت و رحمت بر جهان می گسترد و به مردان شجاعت و دلآوری می بخشید<sup>۳</sup>. او ماهیتاً خیر بود. از نام آن چنین بر می آید که با اهورامزداي ایرانی قابل قیاس است. لیکن آرامازد دقیقاً معادل اهورامزدا نیست زیرا آرامازد در عین حال که ماهیت خیر دارد می تواند تنبیه کننده و مجازات دهنده نیز باشد. در مورد او آن دوگانگی که در مذهب باستانی ایرانی وجود دارد و همیشه بین خیر و شر (اهورامزادا و اهریمن) پیکار و جنگ بوقوع می پیوندد، صدق نمی کند و در میان ارمنیان معادلی از نوع اهریمن بعنوان خدای شر در برابر آرامازد مطرح و موجود نیست.

معبد آرامازد در دژ آبی واقع در ساحل فرات (قریه داراناغی) واقع و مجسمه او در آنجا قرار داشت. آرامگاه پادشاهان ارمنی نیز در آنجا واقع بود<sup>۴</sup>.

### خدای آفتاب (مهر یا میترا):

منشاء گرما یعنی آفتاب عامل اصلی تداوم حیات، میوه دهی و باروری محسوب می شود و از طرفی رطوبت اهمیت داشت که منشاء آن را کره ماه می دانستند. همه نیازهای زندگی توسط خورشید و ماه تأمین می شد<sup>۵</sup>.

پرستش آفتاب با پرستش آتش همراه بود زیرا آتش نیز گرمابخش محسوب می شد و به انسان حیات می بخشید. آتش پرستی در میان ارمنیان نیز رایج بود.

<sup>۳</sup> - آگاتانگوس، تاریخ ارمنیان، ص 68.

<sup>۴</sup> - آ. آر. اکلیان، تاریخ گسترش فرهنگ معنوی ارمنی، جلد 1 ایروان 1959، ص 54-53.

<sup>۵</sup> - "آنانیا شیراکاتسی" ایروان: 1944، صفحه 325.

قدرت گرما و آتش در وجود خدای مهر تبلور می یافت. **مهر یا هیسوس یونان، ولکان رومی، میترای ایرانی و آگنی هندی** قابل مقایسه است. پرستش مهر در شرق و غرب از آسیای صغیر تا هندوستان رایج بود. پرستش مهر از زمان های بسیار قدیم منشاء می گیرد. مهر فرزند اهورامزدا محسوب می شد. گریگور روشنگر بانی کلیسای ارمنی به قریه باگاریچ رفته معبد مهر را ویران و گنج های آن را میان فقرا تقسیم نمود و بجای آن کلیسایی بنا کرد. معبد مهر در گارنی نیز وجود داشته و تا امروز موجود است. **مهر** بعنوان بخش اصلی برخی نام ها (مهرداد، مهر وژان و غیره) تأثیر خود را تا امروز حفظ کرده است<sup>۶</sup>.

#### آناهیت:

پرستش الهه آناهیت منشاء شرقی قدیم دارد و از ایران به ارمنستان گسترش یافته است. آناهیت الهه ماه و همسنگ با آفتاب بود. آناهیت نه تنها خدای میوه دهی و باروری و مادر که الهه نگاهبان نیز محسوب می شد. چهار معبد در منابع ارمنی مربوط به آناهیت ذکر شده است، در قریه یگغیک، آرتاشات، آشتیشات و آنزواتسیک<sup>۷</sup>.

#### آستغیک:

الهه نور (ستاره)، عشق و زیبایی بود. نام آستغیک با پرستش آب و باروری عجین است. عید وارتاوار (عید آب ریزان) به این الهه انتساب یافته است. آستغیک از الهه های عشق در شرق باستان منشاء می گیرد. آستغیک معشوقه و اهاگن بشمار می رفت. بعنوان الهه عشق از زیبایی شگفت انگیزی برخوردار بود<sup>۸</sup>.

#### واهاگن:

یکی دیگر از خدایان باستانی ارمنی **واهاگن**<sup>۹</sup> نام داشت. واهاگن که در میان هندیان **ایندرا** در میان پارسیان **ورثرخن** در پهلوی **ورهرام** یا **بهرام** نام داشت جوانی زیبا، دلاور و قوی بود و تجلی کلی همه خداهای قوی طبیعت بشمار می رفت. واهاگن در اشعار مردمی انعکاس یافته و موسی خورنی تاریخنگار نامی ارمنی در سده پنجم میلادی داستان تولد او را به شکل زیر بیان کرده است:

*آسمان درد زایمان می کشید، زمین درد زایمان می کشید*

<sup>۶</sup> - آ. آر. اکلیان، تاریخ گسترش فرهنگ معنوی ارمنی، جلد 1 ایروان 1959، ص 62-67.

<sup>۷</sup> - همانجا ص 54-57.

<sup>۸</sup> - همانجا ص 58-59.

<sup>۹</sup> - س. گاسپاریان، پرستش خدای واهاگن، ایروان 1993.

دريايي سرخ نيز درد زايمان مي کشيد  
 درد زايمان در دريا  
 ني هاي سرخ قام را نيز فرا گرفته بود.  
 از درون ني دودي زبانه مي کشيد  
 از درون ني آتش بلند مي شد  
 و از شعله بيرون مي جهيد  
 نو جواني زرین مو.  
 نو جوان زرین مو مي دويد  
 موهاي آتشين داشت  
 ريشي شعله ور  
 و چشمانی چو خورشيد<sup>۱۰</sup>

در این شعر زایش زندگی بر پایه چهار عنصر متضاد یعنی خاک (زمین)، آب (دریا)، آتش (زبانه، دود) و هوا (آسمان) بوقوع می پیوندد.

خدای **واهاگن** (واهاگن اژدهاکش) در برابر اژدهایان می جنگید. ایندرا که خدای رعد و برق بود نیز در برابر ورترا (اژدها) می جنگید و با برق خود ابرها را تکه تکه می کرد. جنگ واهاکن نیز اینگونه است. واهاکن با اشکال مختلف در این مبارزه ظاهر می گردد: مانند شیر، گاونر، شتر، شکارچی سوار بر اسب و بز کوهی. بر اساس نوشته **آتانیبا شیراکاتسی** دانشمند ارمنی سده هفتم میلادی واهاکن پیشوای ارمن در يك روز سرد زمستانی گاه های بارشام پیشوای آشور را می دزد و هنگام عبور از آسمان ریزش گاه ها جاده ای پدید می آید که به آن **گاه کشان** (کهکشان) یا **راه شیري** (به ارمنی dsire- katin) می گویند. در ارمنی به آن **راه دزد گاه** (hardagoghi- tchanapar) نیز اطلاق گردیده است.

#### نانه:

نانه خواهر الهه آستغیک و دختر دوم آرامازد بود. او الهه حکمت و فضیلت بود<sup>۱۱</sup>. معبد او در ساحل فرات و در قریه تیل قرار داشت<sup>۱۲</sup>.

<sup>۱۰</sup> - موسی خورنی، تاریخ ارمنستان، بخش اول، فصل 31.

**تیر:**

بعنوان خدای خورشید جای خود را به مهر داده در مقام دبیری آرامازد و تعبیر کننده خواب و خدای علوم و آموزش در آمد و معادل هرمس و آپولون یونانی بود. معبد آن در کنار جاده ای در نزدیکی آرتاشات قرار داشت<sup>۱۳</sup>. خدای تیر تأثیر خود را روی اسامی اشخاص گذاشته است مانند تیران، تیرداد<sup>۱۴</sup>.

**آمنایغ، آمانور، واناتور:**

آمنایغ به دسته دوم خدایان تعلق داشت و مورد علاقه فراوان ارمنیان بود زیرا کشتزارها و باغها را از گزند سرمازدگی، تگرگ و سیل مصون نگه می داشت. محل پرستش او در ناحیه باگاوان واقع بود.

آمانور (به معنی سال نو) خدای سال نو بود و واناتور خدای مهمان نوازی و اعطاء کننده جا و مکان بود. عید این دو خدا روز سال نو (ناواسارد، نوسرد) برگزار می شد<sup>۱۵</sup>.

رونق فرهنگ یونانی باعث شد تا خداهای ارمنی با خداهای پانتئون یونان مقایسه شوند: آرامازد= زئوس یا دیوس، آناهیت= آرتامیس، مهر و بارشامینا= هپستوس، و اهاگن= هرکول، آستغیک= آفرودیت، نانه= آنتاس، تیر= آپولون. در عصر هلنیستی مجموعه های پانتئون یونان از خارج به معابد ارمنستان منتقل شدند. اساس مقایسه آنها تشابه نسبی ماهیت و پرستش آنان بود. لیکن آنها با یکدیگر تطابق کامل نداشتند.

۱۱- آ. آر. اکلیان، تاریخ گسترش فرهنگ معنوی ارمنی، جلد 1 ایروان 1959، ص 59.

۱۲- آگاتانگوس، تاریخ ارمنیان، ص 786.

۱۳- همانجا ص 788.

۱۴- آ. آر. اکلیان، تاریخ گسترش فرهنگ معنوی ارمنی، جلد 1 ایروان 1959، ص 67.

۱۵- همانجا ص 68-70.